

## بررسی منظومه «انتقام‌نامه» از طغان‌شاه بن نظام قمی شاهرودی

محمدرضا موحدی<sup>۱</sup> / علی اصغر ترابی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶  
(DOI): 10.22034/shistu.2025.2057659.2521

### چکیده

«ضریرنامه» یا «انتقامیه» یکی از منظومه‌های ارزشمند و کمتر شناخته‌شده‌ی ادب فارسی است که توسط طغان‌شاه بن نظام قمی شاهرودی در سده‌ی نهم هجری و در قالب وزنی متقارب، در قریب ۱/۶۰۰ بیت سروده شده است. این منظومه با روایت حرکت کاروان اسیران کربلا به سوی شام آغاز می‌شود و به قیام ضریر خزاعی، محمد حنفیه و یاران آنها - از جمله ابراهیم اشتر، عمر بن علی، فضل بن جعفر طیار، طغان و دیگران - علیه عاملان انتقال امام سجاد علیه السلام و اسیران کربلا می‌پردازد. در ادامه، نبردهای این پهلوانان با شخصیت‌هایی همچون یعقوب، عمر سعد، ابن زیاد و یزید به تصویر کشیده می‌شود. با وجود قدمت تاریخی، «ضریرنامه» در میان آثار حماسی دینی ادب فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه اطلاعات تازه‌ای از متن و فرامتن این اثر درباره‌ی حماسه‌ی شیعی قابل استخراج است؟ این تحقیق با روش «تحلیل محتوایی» نشان داده است که «ضریرنامه» گرچه در زمره‌ی آثار مهم حماسی دینی قرار دارد، از نخستین جلوه‌های مقاومت دینی در ادبیات فارسی محسوب می‌شود و گواه آن است که پیش از نگارش «روضه الشهداء»، مضامین عاشورایی در شعر فارسی سابقه داشته‌اند. معرفی و تحلیل این منظومه می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تری درباره‌ی روایت انتقام ضریر خزاعی و محمد حنفیه از قاتلان امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش باشد و افق‌های تازه‌ای را در مطالعات حماسه‌ی شیعی بگشاید.

کلیدواژه‌ها: ضریرنامه، انتقامیه، طغان‌شاه بن نظام، ادبیات دینی، ادبیات تیموری.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم / mr.movahedi@qom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم / torabialiasghar88@gmail.com

## مقدمه

منظومه‌ی ضریرنامه، اثر طغان‌شاه بن نظام قمی شاهرودی، یکی از حماسه‌های مذهبی شیعی در ادب فارسی است که نقش مؤثری در تقویت روحیه‌ی خون‌خواهی، مقاومت و ترویج فرهنگ عاشورایی ایفا کرده و حتی زمینه‌ساز شکل‌گیری اندیشه‌ی حکومت شیعی در عصر خود و دوره‌های پس از آن بوده است. این اثر با زبان فخیم و استوار، بهره‌گیری از سبک ادبی متناسب با حماسه‌ی مذهبی، توصیف دقیق شخصیت‌ها، صحنه‌های نبرد، و گفت‌وگوهایی در دفاع از اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، به‌ویژه امام حسین<sup>علیه‌السلام</sup> از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود نسخه‌های متعدد این منظومه در شهرهای گوناگون ایران - که اغلب مربوط به دوره‌ی پس از سال ۸۸۴ هجری، یعنی پایان عهد تیموری و آغاز صفویه هستند - نشان‌دهنده‌ی مقبولیت و نیاز به استنساخ این اثر در میان شیعیان است. ترجمه‌های مختلف آن به زبان‌های ترکی و کردی (بیگزاده و عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۵؛ امامی و داودآبادی، ۱۴۰۱، ص ۹-۱۰) در کنار تعدد نسخه‌ها، گواهی دیگر بر تأثیرگذاری فرهنگی و مذهبی این منظومه به‌شمار می‌آید.

از دیگر وجوه برجسته‌ی ضریرنامه، تأکید آن بر مقاومت در برابر ظلم یزیدیان و نقش‌آفرینی زنان در این حماسه‌ی مذهبی است؛ ویژگی‌هایی که آن را به الگویی کهن برای «ادب مقاومت» تبدیل کرده‌اند.

با تصحیح این منظومه بر اساس چند نسخه‌ی خطی از کتابخانه‌های دانشگاه تهران، آستان قدس رضوی، کتابخانه‌ی ملی و کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، امکان نقد و بررسی دقیق‌تر این اثر فراهم شده است. این پژوهش با ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی دوره‌ی تیموری، سراینده، ساختار و محتوای ضریرنامه و تحلیل بن‌مایه‌های حماسی آن، می‌کوشد به بازشناسی جایگاه این منظومه در ادبیات شیعی یاری رساند.

## بیان مسئله و هدف پژوهش

برای شناخت دقیق منظومه‌ی حماسی ضریرنامه یا انتقامیه، به چند نسخه‌ی خطی و چاپ سنگی از این اثر مراجعه شده است. بررسی این منظومه و تحلیل مضمون حماسی آن،

امکان دستیابی به درون‌مایه‌ها، واژگان و ساختارهای روایی را فراهم می‌سازد و از این طریق می‌توان به مضامین شیعی نهفته در این اثر مذهبی راه یافت.

مسئله‌ی اصلی این پژوهش آن است که چه اطلاعات تازه‌ای از متن و فرامتن این منظومه می‌توان استخراج کرد؛ اطلاعاتی که بتوانند جایگاه آن را در تاریخ ادبیات حماسی شیعی روشن سازد؟

یافته‌های این تحقیق، که به شیوه‌ی «تحلیل محتوایی» انجام شده است، نشان می‌دهد که مضامین عاشورایی و حماسه‌ی کربلا، پیش از نگارش روضة الشهداء نیز در ادب فارسی سابقه داشته‌اند و ضریرنامه از جمله آثار پیشگام در این زمینه به‌شمار می‌آید.

در این پژوهش، معرفی جامع شاعر اثر، بررسی دوره‌ی سرایش و تحلیل بن‌مایه‌های حماسی آن، برای شناساندن بهتر این منظومه‌ی دینی ضروری بوده است.

ضریرنامه از قدیمی‌ترین منظومه‌های مذهبی فارسی و یکی از نخستین جلوه‌های «ادب پایداری» در برابر ستم یزیدیان محسوب می‌شود. این اثر، به‌ویژه در روایت قیام کربلا و خون‌خواهی از قاتلان امام حسین<sup>ع</sup> و یاران وفادارش، جایگاهی برجسته دارد.

### پیشینه

پیش از منظومه‌ی ضریرنامه، نمونه‌هایی از همین سنخ ادبیات دینی و حماسی وجود داشته‌اند؛ از جمله: مسیب‌نامه، اثر ابوطاهر طرسوسی که در قرن ششم هجری پدید آمده، اما نسخه‌ی اصلی آن تا امروز باقی نمانده است. قرن‌ها بعد، محمدبقای وارس بخاری بر اساس نقل ابوطاهر، نسخه‌ی گسترده‌تری از آن را در ماوراءالنهر - احتمالاً تاجیکستان - تدوین کرده است. بسیاری از آثار مشابه، مانند ابومسلم‌نامه از مسیب‌نامه تأثیر پذیرفته‌اند، اما اغلب این آثار به‌صورت منشور بوده و کمتر به نظم درآمده‌اند.

جمال‌الدین محمد حسینی جامی نیز در کچکول خود، ضمن اشاره به منابع خود و تأثیرپذیری از روضة الشهداء کاشفی، از ضریرنامه و برداشت‌های شخصی‌اش از آن یاد کرده است (ابویی مهریزی، ۱۳۹۴، ص ۸).

بررسی دقیق ضریرنامه نشان می‌دهد که این منظومه از نظر زبان و محتوا، اثری مذهبی و شیعی با بن‌مایه‌های حماسی است و شاعر آن در فضایی نه‌چندان همدلانه با اطرافیان، به سرایش این اثر پرداخته است.

مطالعه‌ی کامل این منظومه می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای بازخوانی تاریخ ادب حماسی فارسی بگشاید. تاکنون تصحیح مستقلی از ضریرنامه یا انتقامیه طغان‌شاه قمی شاهرودی منتشر نشده است - که ان‌شاءالله به‌زودی حاصل خواهد شد. با این حال، نسخه‌ی چاپ سنگی از این اثر در کتابخانه‌ی ملی تهران موجود است و نسخه‌های خطی آن در دانشگاه تهران، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی و برخی مراکز دیگر در داخل و خارج از ایران یافت می‌شود.

در منابع معاصر، تنها به‌صورت کلی و گذرا از شاعر و محتوای این منظومه یاد شده است:

- صباح قنبری در مقاله‌ای با عنوان «گزیده‌ی رساله‌ی انتقامیه» (۱۳۹۰)، نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (دانشکده‌ی الهیات سابق) را معرفی کرده است.

- علیرضا امامی و هادی داودآبادی فراهانی نیز در مقاله‌ای با عنوان «ضریرنامه‌ی طغان‌شاه قمی؛ مظهر ایثار و شهادت در منظومه‌های شیعی قرن نهم هجری» (۱۴۰۱)، این اثر را از منظر ادبیات پایداری بررسی کرده‌اند.

- محمدرضا موحدی در مقاله‌ی «روضه‌ الشهداء و قضاوت‌های برخی معاصران» (۱۴۰۰)، انتقامیه را به‌عنوان حماسه‌ای دینی پیش از روضه‌ الشهداء معرفی کرده و این تصور را که روضه‌ الشهداء نخستین اثر فارسی در باب مقتل بوده، رد کرده است.

- رحیم فرج‌اللهی و غلامحسین شریفی ولدانی نیز در مقاله‌ی «پژوهشی در قدمت و اصالت جنگ‌نامه‌های محمد حنفیه» (۱۳۹۹)، انتقامیه را در شمار یکی از این جنگ‌نامه‌ها دانسته‌اند.

با این حال، تصحیح، نقد و بررسی جامعی درباره‌ی زمان سرایش، ساختار و بن‌مایه‌های حماسی ضریرنامه تاکنون صورت نگرفته است. این پژوهش کوشیده است خلأ موجود را تا حدی برطرف سازد.

## ۱. معرفی و شرح حال ناظم

طغان‌شاه بن نظام قمی شاهرودی از جمله حماسه‌سرایان برجسته‌ی نیمه‌ی دوم قرن نهم هجری است که تنها یک اثر از او با عنوان انتقامیه یا ضریرنامه به دست ما رسیده است. اطلاعات دقیقی درباره‌ی سال تولد و وفات او در دست نیست و او در متن منظومه نیز اشاره‌ای به سن یا زمان زندگی خود نکرده است. در منابع تذکره‌ای معروف فارسی نیز نام و شرح حال او به صورت مفصل ثبت نشده و خود شاعر نیز نشانه‌ای از حوادث تاریخی، مکان‌ها یا شخصیت‌هایی که بتواند به شناخت بیشتر او کمک کند، برجای نگذاشته است.

بر اساس نسخه‌های موجود در کتابخانه‌ی ملی و کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، شاعر خود را «طغان‌شاه بن نظام» معرفی کرده و محل اقامت خود را قم ذکر نموده است. در نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی آمده: «مقامم قمستان و سازم وطن»، و در نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی آمده: «مکانم قم و شاهرودم وطن». این عبارات نشان می‌دهد وطن اصلی او شاهرود بوده، اما در قم اقامت داشته است.

با توجه به این شواهد، طغان‌شاه را می‌توان یکی از شاعران گمنام و کم‌نام‌ونشان نیمه‌ی دوم قرن نهم هجری دانست که با وجود ناشناختگی، اثری حماسی و مذهبی با مضامین شیعی برجای گذاشته است؛ اثری که ظرفیت‌های پژوهشی فراوانی برای بازشناسی ادب مقاومت در دوره‌ی پیشاصفوی دارد.

کسی گر بگوید که این شعر کیست	فقیر جگرخسته را نام، چیست؟
[بگویم کنون تا بدانند مرا	چو داند، دعایی بخواند مرا]
دعایش مگر رهبرِ دل شود	که مقصود این بنده حاصل شود
مرا بیشتر خلق از خاص و عام	طغان‌شاه خوانند ابن نظام
مکانم قم و شاهرودم وطن	کسانند هر جاز خویشان من
بسی خدمت رهروان کرده‌ام	بسی پیش کار آگهان بوده‌ام

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ۱۵۸۷-۱۵۸۲).

چنین برداشت می‌شود که شاعر، خویش را خدمتگزار رهروان راه حقیقت می‌داند و از دانایان و صاحبان فراست، بسیار تجربه آموخته است.

### ۱-۱. تاریخ نظم

شاعر تاریخ نظم منظومه‌اش را بر اساس نسخه کتابخانه مرکزی، ماه محرم ۸۸۴ هجری قمری ذکر کرده و آن را انتقامیه نامیده است:

ز هشتاد و چو بگذشت هشتاد و چار      به نظم آمد این نامه‌ی نامدار  
شد این نظم ماه محرم تمام      نهادم ورا «انتقامیه» نام  
(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ۵۸۰-۵۸۱).

البته در نسخه کتابخانه ملی ۶۷۴ و در چاپ سنگی سال ۶۷۰ و در عنوان نسخه مجلس نیز ۶۸۴ آمده که هیچ‌کدام درست نیست؛ زیرا شاعر در منظومه خویش به مدح ابوالغازی، شاه‌سلطان حسین (۸۴۲-۹۱۱ق) می‌پردازد و بنابراین ما به یقین می‌توانیم تاریخ درست را ۸۸۴ بدانیم:

کنون ذکر سلطان عالم کنم      زبان را به مدحش مکرّم کنم  
ابوالغازی آن شاه با داد و دین      سر شهریاران روی زمین  
جهانگیر، سلطان گیتی پناه      که دنیا ندیده چو او پادشاه  
محبّ علی، شاه‌سلطان حسین      دعایش بود خلق را نور عین  
(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۴۱-۴۴).

### ۱-۲. علت نظم «انتقامیه»

طغان‌شاه در مقدمه‌ی منظومه‌ی خود، به مجلسی اشاره می‌کند که در خانه‌اش برگزار می‌شده و در آن جمع، کتاب‌های تاریخی خوانده می‌شده است. در این مجلس، سخن از ظلم یزید ملعون در حق خاندان امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> به میان می‌آید و دل و چشم حاضران از غم و اشک لبریز می‌شود. در ادامه‌ی بحث، موضوع انتقام محمد حنفیه از یزید مطرح می‌شود و یکی از دوستان شاعر از او درخواست می‌کند که این داستان را به نظم درآورد، تا هم دل

دوستان اهل بیت<sup>ع</sup> شاد شود و هم خشم و نفرت از دشمنان ایشان، یعنی طرفداران یزید، به صورت ادبی و حماسی ابراز گردد.

این درخواست انگیزه‌ی اصلی طغان شاه برای سرایش منظومه‌ی انتقامیه یا ضرینامه بوده است؛ اثری که با هدف زنده نگه داشتن یاد قیام عاشورا، تقویت روحیه‌ی مقاومت، و بازتاب احساسات شیعی در قالب شعر حماسی خلق شده است.

یکی روز با جمع یارانِ خویش	مرا مجلسی بود در خوانِ خویش
سخن‌ها ز هر نوع می‌راندند	کتاب تواریخ می‌خواندند
چه ظلمی که آل علی را رسید	از آن قوم ناپاکِ ملعون یزید
دل حاضران گشت از غم، کباب	روان شد ز هر چشم صد چشمه آب
در آخر سخن هم بدین جا رسید	که حربِ حسینِ علی با یزید
محمد حنفیه شهِ پاک‌دین	کشید انتقام از سگانِ لعین
رخِ دوستان همچو گل بر شکفت	از آن جمله یک دوست با بنده گفت
که ای بلبلِ داستانِ سخن	ز تو تازه امروز جانِ سخن
چو داری زبانِ سخن‌پروری	چه باشد که این را به نظم آوری؟!
همی خواهم از لفظِ شگرفشان	نهی مرهمی بر دلِ دوستان
شود خارجی را دل از غم، فگار	برآید ز جانِ خوارج، دمار
اگر دوستان را کنی شادمان	دهد حق تو را از بلاها امان

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۵۳-۶۴).

در آن مجلس، یکی از دوستان شاعر از او می‌خواهد که داستان انتقام محمد حنفیه را به نظم درآورد، تا با قدرت کلام و تیغ سخن، جان دشمنان اهل بیت<sup>ع</sup> را بسوزاند و قلب آنان را بدرزد، و در مقابل، جان دوستان و شیعیان را تازه و امیدوار سازد. او از شاعر می‌خواهد که با سرودن این منظومه، جهانی را روشن کند و اثری بیافریند که به یادگار بماند؛ زیرا هیچ یادگاری، به اندازه‌ی مدح و ستایش اهل بیت پیامبر<sup>ع</sup> ارزشمند و جاودانه نیست.

کنون ساز طبع نوا ساز کن  
 به شمع معانی، جهان برفروز  
 به شمع روان، جان ما تازه کن  
 دُری چند از بحر معنی، برآر  
 که در زیر چرخ سپهر گهن  
 ز کس یادگاری بود شعر و بیت

یکی داستانی نو آغاز کن  
 به ضرب سخن، جان دشمن بسوز  
 بَدَر قلبِ دشمن به تیغ سخن  
 که ماند ز تو در جهان یادگار  
 نماند کسی و بماند سخن  
 نباشد بجز مدحتِ اهل بیت

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۷۰-۶۵).

طغان شاه چون خود را بنده آل رسول می‌داند درخواست دوستش را می‌پذیرد و سرودن را آغاز می‌کند:

چه بودم ز مولای آل رسول  
 به پرواز آمد مرا مرغِ جان

مرا التماسِ وی آمد قبول  
 پس آنگه به گفتن گشادم زبان

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۷۲-۷۱).

### ۱-۳. منبع اثر

طغان‌شاه در ابتدای منظومه، داستان را از گفتهٔ راستان می‌داند و خواننده را از شک کردن در درستی آن برحذر می‌دارد.

کنون بشنو از من یکی داستان  
 نیاری بدین داستان، شک و ریب  
 که فیضی بیابی ز اشعارِ من  
 ز نام ضریری، روایت کند

که تا گویم از گفتهٔ راستان  
 نجویی درین نظم، نقصان [و] عیب  
 شود تازه جانت ز گفتار من  
 از و ناقلان این حکایت کند

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۷۶-۷۹).

در جای دیگر از خداوند اخبار (صاحبان خبر)، سخن می‌گوید:

خداوند اخبار گوید چنین  
بی‌آورد سوی دمشق آن پلید  
که چون عُمَر سعد ناپاک‌دین  
سر شاه و اولاد، پیش یزید  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۹۴-۲۹۳).

و در جای دیگر نیز می‌گوید:

خداوند اخبار داد این خبر  
خود و فضل جعفر به مغرب بُدند  
که ابن علی شاهزاده عمر  
از آنجای با فتح بازآمدند  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۴۲-۴۱).

و از گزارنده و راویِ نامه هم یاد کرده است:

گزارنده‌ی نامه‌ی داستان  
بدین سان کند نقل از راستان  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۳۰۶).

گزارنده‌ی نامه داد این خبر  
طغان دلاور چو آن کار کرد  
که چون ترک شیرافکن نامور  
ضریرش سپهدار سردار کرد  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۷۶۶-۷۶۵).

به هر حال، داستان ضریر خزاعی در دوران خود، روایتی شناخته‌شده و رایج بوده و در منابع مختلفی همچون روضة الشهداء و مسیب‌نامه نقل شده است. حتی نسخه‌ای از تاریخ خلفا و مقتل امام حسین علیه السلام که در قرن دهم هجری در چین کتابت شده، این روایت را به صورت نثر بازگو کرده است. افزون بر آن، برخی شاعران دیگر نیز به این داستان توجه داشته‌اند؛ از جمله الهامی کرمانشاهی که بخشی از آن را به نظم درآورده است.

این گستردگی روایت، نشان‌دهنده‌ی نفوذ و اهمیت داستان ضریر خزاعی در فرهنگ شیعی و ادبیات حماسی آن دوران است؛ روایتی که الهام‌بخش منظومه‌هایی همچون ضریرنامه بوده و در شکل‌گیری سنت‌های ادبی مقاومت و خون‌خواهی نقش مؤثری ایفا کرده است.

## ۱-۴. تشیع طغان‌شاه

اگر منظومه‌ی انتقامیه را ملاک تشخیص مذهب شاعر قرار دهیم، بی‌تردید می‌توان طغان‌شاه بن نظام قمی شاهرودی را شاعری شیعه‌مذهب دانست. در جای‌جای این اثر، از امیرالمؤمنین علیه السلام با تعبیراتی همچون «علی ولی»، «وصی رسول» و «وصی» یاد شده است. همچنین امام حسین علیه السلام با عناوینی همچون «امام مبین»، «شاه معصوم پاک»، «امام زمان» و امام سجاد علیه السلام با عباراتی نظیر «شاه زین‌العباد»، «امام زمان زین‌العباد»، «شاه معصوم» و «فخر بشر» ستایش کرده است. در هیچ‌یک از ابیات منظومه، نشانه‌ای که شیعه‌بودن شاعر را نفی کند، دیده نمی‌شود.

با این حال، اگر تشیع طغان‌شاه را نپذیریم، دست‌کم می‌توان او را «سنی دوازده‌امامی» دانست. این اصطلاح به افرادی اطلاق می‌شود که ضمن پایبندی به اصول اهل سنت، به امامت دوازده امام معصوم علیهم السلام نیز باور دارند. این نگرش در دوره‌ی تیموریان و با گسترش نهضت‌های صوفیانه در ایران، به‌ویژه در قرون هفتم تا نهم هجری، رواج یافت و نوعی همزیستی مذهبی میان تسنن و تشیع را پدید آورد (جدیدی و رمضان جماعت، ۱۳۹۹، ص ۱۴۷).

تصوف در این میان، نقش واسطه‌ای ایفا کرد و بستری فراهم ساخت برای گذار تدریجی ایران از تسنن محض به تشیع. در طول تاریخ، شخصیت‌های متعددی در جهان اهل سنت با باور به امامت دوازده‌گانه‌ی شیعه شناخته شده‌اند؛ کسانی که با احترام و اعتقاد، همه‌ی امامان شیعه را «امام» خطاب کرده‌اند (جوادی و عادل، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳).

با توجه به شواهد موجود در متن منظومه و فضای مذهبی عصر شاعر، می‌توان گفت: طغان‌شاه، چه از منظر اعتقادی و چه از منظر ادبی، به اهل‌بیت علیهم السلام تعلق خاطر داشته و منظومه‌ی او، بازتابی از باورهای شیعی یا دست‌کم دوازده‌امامی در قالب شعر حماسی است.

## ۲. قرن نهم، دوره‌ی تیموری (۷۸۲ - ۹۰۷ق)

دوره‌ی تیموری از یورش تیمور به خراسان و سیستان در سال ۷۸۲ هجری آغاز می‌شود و با جلوس شاه‌اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ هجری پایان می‌پذیرد. در دوران سلطنت

جانشینان تیمور گورکانی، تا اواخر قرن نهم، چهره‌های برجسته‌ی علمی و ادبی کمتر دیده می‌شوند، مگر آنان که در دربار سلطان حسین بایقرا حضور داشته‌اند. در اواخر این دوره، سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوایی با حمایت از عالمان و ادیبان، زمینه‌ی خلق آثار ادبی و دینی متعددی را فراهم کردند.

در این قرن، محور حکومت بر اسلام و مذاهب منشعب از آن، و هر دو مذهب تشیع و تسنن از گسترشی چشمگیر برخوردار بودند. پس از سقوط خلافت عباسی به دست مغولان در قرن هفتم، تشیع به تدریج قدرت بیشتری یافت.

شایان توجه است که شاهزادگان تیموری با وجود گرایش به تسنن، احترام ویژه‌ای برای سادات و مشایخ تصوف قایل بودند. زیارت مشهد مقدس از جمله اعمال مکرر شاهرخ و بسیاری از سلاطین تیموری بود (صفا، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۹). این فضای سیاسی و اجتماعی، زمینه‌ساز گسترش مناقب پیامبر ﷺ، ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و حماسه‌های دینی در شعر قرن نهم شد.

عواملی همچون توجه ویژه‌ی تیمور به احیای مسائل مذهبی، آزادی نسبی مسلمانان، ضعف روزافزون تسنن، و گسترش دو فرقه‌ی صوفی شیعه، یعنی «بکتاشیه» و «نوربخشیه»، زمینه‌ی رشد تشیع را فراهم ساخت. در نتیجه، سرودن شعر در مدح ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام رواج چشمگیری یافت. ابن حسام خوسفی، از شاعران برجسته‌ی این قرن، دیوانی کامل در مناقب و مرثی‌های پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام سرود و منظومه‌ی خاوران‌نامه را در شرح جنگ‌ها و غزوات امیرالمؤمنین علیه‌السلام خلق کرد. او همچنین قصیده‌ای در ذکر مکافات ابن ملجم از زمان مرگ تا روز قیامت سروده است (واردی، ۱۳۸۴، ص ۹۳).

شاعران دیگری همچون جامی، لطف‌الله نیشابوری، کاتبی، فغانی شیرازی، انسی، اهلی شیرازی و نظام استرآبادی نیز قصیده‌های متعددی در مناقب پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام و امام مهدی علیه‌السلام سروده‌اند (واردی، ۱۳۸۴، ص ۹۳). بسیاری از شاعران این قرن شیعه‌مذهب بودند و مدح اهل بیت علیهم‌السلام از رایج‌ترین مضامین شعری آن دوره به‌شمار می‌رفت.

تیمور با مشاهده‌ی نفوذ گسترده‌ی تشیع امامیه در ایران و در مواجهه با قدرت‌های سنی در مصر، شام و عثمانی، از همان آغاز در سیاست مذهبی خود توجه ویژه‌ای به پیروان تشیع نشان داد. او دمشق را با شعار «انتقام خون حسین از نسل یزید» فتح کرد؛ شعاری که مخاطب آن، مردم آن منطقه بودند (شامی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۶).

در این دوره، مذهب شیعه - به‌ویژه اثنی‌عشریه - به سبب دوری علمای آن از عرصه‌ی سیاست و اجرا، پایگاه مردمی قدرتمندی یافت. فجایع و جنایات حکام، حس انتقام و بدبینی را در جامعه تشدید می‌کرد و تشیع به‌سبب ماهیت ظلم‌ستیز خود، جذابیتی مضاعف برای مردم داشت (یوسفی و رضایی جمکرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷).

تیمور و فرزندان وی با گرایش به مذهب حنفی، هیچ‌گونه اجبار مذهبی بر پیروان دیگر مذاهب وارد نمی‌کردند. این تساهل فرصتی برای ظهور دوباره‌ی شیعیان و برخی فرقه‌های صوفی فراهم ساخت (موحدی و راغبیان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳). پیروان تشیع نیز با بهره‌گیری از حسن اعتقاد واقعی یا ادعایی تیمور به ذریه‌ی پیامبر ﷺ و احترام شگرفی که شاه‌رخ و جانشینان او نسبت به سادات و ائمه‌ی اطهار ﷺ ابراز می‌کردند، توانستند جایگاه مذهبی خود را تثبیت کنند (صفا، ۱۳۷۳، ص ۳۶).

در نهایت، شیعیان در قرن نهم توانستند رسمیت مذهب خود را تثبیت کنند و پس از دوره‌ای کوتاه از ناکامی، در آغاز قرن دهم، این رسمیت را به‌طور قطعی به‌دست آوردند (موحدی و راغبیان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳).

### ۳. مفاد منظومه‌ی «ضریرنامه»

منظومه‌ی ضریرنامه یا انتقامیه اثری حماسی و دینی است که در بحر متقارب سروده شده و موضوع اصلی آن، انتقام‌گیری از ستمگران یزیدی پس از واقعه‌ی کربلاست. این منظومه با روایتی منسجم و پرکشش، به بازتاب خشم مقدس و مقاومت شیعی در برابر ظلم می‌پردازد و محور آن انتقام از قاتلان امام حسین ﷺ و یاران وفادارش است.

شخصیت‌های مثبت داستان شامل ضریر خزاعی، محمد حنفیه، عمر بن علی، فضل بن جعفر، مسیب، قاسم و طغان هستند. در مقابل، یزید، عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد و

یعقوب عسقلانی در جایگاه شخصیت‌های منفی قرار دارند. برخی از این شخصیت‌ها، مانند ضریر، قاسم، طغان و یعقوب، ساختگی و خیالی‌اند، اما در خدمت روایت حماسی و نمادین منظومه قرار گرفته‌اند.

این منظومه با نام خداوند یگانه، کریم و رحیم چنین آغاز می‌شود:

به نام خداوند فردِ کریم      خدایی که بخشنده است و رحیم

در ادامه، شاعر با ابیاتی در حمد الهی و براعت استهلال، فضای کلی اثر را ترسیم می‌کند. مضامینی همچون یاری درماندگان، شفای دردمندان، دادخواهی مظلومان، و گشودن بخت بسته‌کاران، همگی اشاره‌ای نمادین به امام سجاد<sup>ع</sup> و اسیران کربلا دارند. تصویر برآمدن تیغ از کمر صبح، به صورت رمزی، نوید انتقام از دژخیمان کربلا و رهایی اهل بیت<sup>ع</sup> را می‌دهد.

جهاندار روزی‌ده بنندگان	برارنده‌ی کارِ درماندگان
عطابخشِ هر مفلس و مستمند	شفابخشِ هر خسته و دردمند
برآرنده‌ی گنبدِ اخضری	نگارنده‌ی سقفِ نیلوفری
رساننده‌ی رزقِ خلقِ جهان	سستاننده‌ی دادِ غم‌دیدگان
گشاینده‌ی بختِ هر بسته‌کار	رباینده‌ی دل ز هر بختیار
خبردارِ هر چیز از کم و بیش	نگه‌دارِ هر خسته‌ی بسته‌ریش
فروزنده‌ی مشعلِ ماه و خور	برآرنده‌ی تیغِ صبح از کمر

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۹).

پس از این مقدمه، شاعر به مناجات با خداوند و طلب شفاعت از پیامبر<sup>ص</sup> می‌پردازد و در ادامه، ابیاتی را در منقبت پیامبر<sup>ص</sup> می‌آورد و به مقام و معجزات و معراج ایشان اشاره می‌کند و بر اولاد و اصحابش درود می‌فرستد. سپس سلطان زمان ابوالغازی، شاه سلطان حسین، را مدح می‌کند.

روایت اصلی از شهادت امام حسین علیه السلام آغاز می‌شود و سپس به حرکت کاروان اسیران به شام و گذر از عسقلان می‌پردازد؛ جایی در سرحد شام که یعقوب بن عمر حاکم آنجاست. ضریر خزاعی، ساکن آن شهر، با دیدن عمر سعد و یعقوب، به آنان دشنام می‌دهد و مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و بیهوش می‌شود. ضریر با جمع کردن ۱۱۰ جوان عرب، یعقوب را در نماز جمعه غافلگیر می‌کند و او را شکست می‌دهد و با گوش‌های بریده و دستی قطع‌شده، نزد یزید می‌فرستد.

در ادامه، منظومه به روایت‌های متعددی می‌پردازد: آوردن سر امام حسین علیه السلام نزد یزید؛ گفت‌وگوی امام سجاد علیه السلام با معاویه بن یزید؛ آمدن یعقوب به شام و کشته‌شدن او به دست یزید؛ نامه‌نگاری یزید با عبیدالله بن زیاد و لشکرکشی علیه ضریر خزاعی. محمد حنفیه با شنیدن خبر شهادت امام علیه السلام، لشکری ده‌هزار نفری به سوی عسقلان روانه می‌کند و با همراهی شخصیت‌هایی همچون مسیب، عمر بن علی و فضل بن جعفر، نبردهایی گسترده با سپاه یزید شکل می‌گیرد. عبیدالله بن زیاد به عسقلان می‌آید و با عمر بن علی و فضل جعفر می‌جنگد. شاه حلب با سی‌هزار سپاه به یاری یزید می‌آید. مسیب با عبیدالله بن زیاد که از نبرد با عمر بن علی و فضل جعفر در عسقلان فرار کرده، برمی‌خورد و او را زنده نزد محمد حنفیه می‌فرستد. طغان، غلام ترک، با سپاه یزید می‌جنگد و سپاه دشمن را درهم می‌شکند.

در اوج داستان، ابن‌زیاد و عمر سعد به دستور محمد حنفیه کشته می‌شوند. سپاه او حصار دمشق را می‌شکند و با میانجیگری مردم، امام سجاد علیه السلام آزاد می‌شود. محمد حنفیه امام علیه السلام را به مدینه می‌فرستد و خود به مکه بازمی‌گردد. یزید نیز به بیماری ناشناخته‌ای دچار شده، دیوانه می‌شود و سرانجام خود را از نردبانی پرت کرده، جان می‌سپارد.

منظومه‌ی ضریرنامه نمونه‌ای از حماسه‌ی دینی است که با وجود گرایش شدید به اسطوره، پیوند خود را با زمینه‌های تاریخی حفظ کرده است. شخصیت‌ها و رویدادها، هرچند تاریخی‌اند، اما رنگی افسانه‌ای و نمادین به خود گرفته‌اند. قهرمانان این اثر با ویژگی‌هایی همچون قدرت خارق‌العاده و نبرد با دیوان و اژدهایان، به پهلوانان اسطوره‌ای شباهت دارند (ر.ک. کزازی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴).

شاعر با بهره‌گیری از منابع مذهبی - و نه لزوماً تاریخی - و با تکیه بر باورهای فرقه‌ای و الهامات ذهنی، روایتی هنری و تخیلی از انتقام‌گیری پس از عاشورا ارائه داده است. این روایت، هرچند از منظر تاریخی قابل نقد است، اما در قالب حماسه‌ی دینی، هدفی فراتر از گزارش تاریخی دارد. مشابه این رویکرد را می‌توان در آثاری همچون مسیب‌نامه، ابومسلم‌نامه، زمجی‌نامه، خاوران‌نامه و بعدها در روضه الشهداء نیز مشاهده کرد (موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۲-۲۱۳).

#### ۴. بن‌مایه‌های حماسی «ضریرنامه»

در ساختار روایی هر داستان، عناصری کلیدی وجود دارند که به آن انسجام و وحدت می‌بخشند و اجزای مختلف روایت را به هم پیوند می‌زنند. این عناصر که در اصطلاح ادبی «بن‌مایه» نامیده می‌شوند، با تکرار و برجستگی در موقعیت‌های خاص، معنا و تأثیر ویژه‌ای پیدا می‌کنند و در پیشبرد روایت نقش مهمی ایفا می‌نمایند.

در منظومه‌ی ضریرنامه، اثر طغان شاه بن نظام، بن‌مایه‌های حماسی به‌مثابه‌ی عناصر شکل‌دهنده‌ی داستان، حضوری پررنگ و فعال دارند. این بن‌مایه‌ها نه تنها ساختار منظومه را مستحکم کرده‌اند، بلکه به روایت آن تحرک، پویایی و عمق بخشیده‌اند. از جمله بن‌مایه‌های برجسته در این اثر می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

#### ۴-۱. خون‌خواهی و انتقام

یکی از عناصر بنیادین در ساختار حماسه، بن‌مایه‌ی «کین‌خواهی» یا «خون‌خواهی» است؛ عنصری که در آثار کهنی همچون شاهنامه نیز به‌وضوح دیده می‌شود؛ مانند کین‌خواهی سیامک، ایرج و سیاوش. در منظومه‌ی ضریرنامه، این بن‌مایه نه تنها حضور پررنگی دارد، بلکه محور اصلی روایت را شکل می‌دهد: انتقام‌گیری از قاتلان امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش.

شاعر با نام‌گذاری اثر خود به انتقامیه، بر این مضمون تأکید کرده و آن را به‌عنوان هدف اصلی روایت معرفی کرده است. شخصیت‌هایی همچون ضریر خزاعی، محمد حنفیه،

ابراهیم اشتر، طغان، عمر بن علی، فضل بن جعفر و مسیب، همگی در مسیر خون‌خواهی از یزید، ابن زیاد، عمر سعد و دیگر عاملان فاجعه‌ی کربلا به میدان می‌آیند.

در سراسر منظومه، پهلوانان انگیزه‌ی خود از این انتقام‌خواهی را با صراحت و شور بیان می‌کنند.

شخصی به فاطمه، خواهر ضریر خزاعی، گفته بود که برادرش در رهگذر سپاهیان یزید کشته شده است. پس از اینکه ضریر را دید، فغان برآورد و به نزدش دوید. با افتادن به پای ضریر بی‌هوش شد. پس از به هوش آمدن با خشم گفت: به من ناتوان که جز تو کسی ندارم، رحم کن! چرا خود را در خطر هلاک می‌افکنی؟ چرا مرا خسته و دردناک رها می‌کنی؟

ضریر در پاسخ به خواهرش که نگران جان اوست، می‌گوید:

مرا هست جانی که سازم فدا      درین ره برای رضای خدا  
به خون حسین آن امام شهید      نخواهم دگر یک نفس آرمید

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۰۴-۲۰۵).

ضریر راز خون‌خواهی از یزید را به خواهرش گفت. خواهر ضریر گفت: ای شیرمرد! خدا اندوه و درد را از تو دور کند! نمی‌خواهم از من دور شوی؛ هر جا که می‌روی مرا نیز با خود ببر.

نخواهم که دور از دو چشمم شوی      بپر با خودت هر کجا می‌روی  
اگر توز بهر حسین علی      فدا می‌کنی جان زهی مقبلی  
من از بهر فرزند پاک رسول      کنم جان فدا، باشد افتد قبول

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۰۹-۲۰۷).

ضریر، خواهر خود را نوازش کرد و مهر میان آن دو فزون‌تر شد. سپس به بازار رفت و انواع سلاح‌ها را تهیه کرد. از خواهرش خواست تا برای یارانش غذا آماده کند. فاطمه خزاعی با دلسوزی و درایت، برای آن جوانان فرزانه خوراکی‌های گوناگون فراهم آورد، جامه و خلعت بخشید، و اسباب جنگ را مهیا ساخت.

در شب جمعه، هنگامی که فضای معنوی و حماسی درهم آمیخته بود، آن جمع مردانِ مرد، لباس رزم پوشیدند و آماده‌ی نبرد شدند. فاطمه نیز، همچون پهلوانی استوار، لباس جنگ بر تن کرد و عزم خود را برای همراهی در میدان نبرد نشان داد:

همی بود بر عزم آن رزم، جزم	بپوشید هم خواهرش سازِ رزم
هواداری آن زن از عاقلی	جوانان چو دیدند آن یکدلی
سزد که ز مردان بود غیرتی	بگفتند: زین سان بود عورتی
به مهر و هواداری خاندان	بکوشیم جمله بیازیم جان

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۱۹-۲۲۳).

این صحنه نمادی از آمادگی کامل برای دفاع از حق و خون‌خواهی امام حسین علیه السلام است؛ جایی که زن، نه تنها در مقام پشتیبان، بلکه در جایگاه رزمنده‌ای دلیر ظاهر می‌شود. حضور فاطمه خزاعی در کنار مردان، تجلی روحیه‌ی مقاومت، وفاداری و غیرت دینی است که در سراسر ضریب‌نامه موج می‌زند.

ضریب در پاسخ یعقوب، اولین بار کین‌خواهی خود را بیان می‌کند:

چه خون‌ها که ریزم به روی زمین	ز بهر حسین آن امام مبین
چو نام نکو باشدم، پس چه باک؟!	وگر بهر آن شه کُتندم هلاک
که جان را کنم در بر او فدا	نبودم من آن روز در کربلا
که تخم شما از زمین برگنم	کنم سعی تا جان بود در تنم

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۶۶-۲۶۹).

و بار دیگر در پیغامی که به یزید می‌فرستد، می‌گوید:

که از تن سرت را بخواهم برید	ز من چون رسیدی بگو با یزید
چه خون‌ها بریزم به روی زمین	ز بهر حسین آن شه پاک‌دین

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۹۰-۲۹۱).

و سومین بار یعقوب به یزید درباره کین‌خواهی ضریر و یارانش چنین می‌گوید:

ز بهر حسینِ علی سربه‌سر      به کین تو دارند بسته کمر  
کنم با تو کاری که در روزگار      به هم باز گویند مردان کار  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۳۳۸-۳۳۹).

محمد حنفیه پس از شنیدن خبر شهادت برادرش، امام حسین علیه السلام، پس از سوگواری با مردم چنین گفت:

محمد چنین گفت با مکیان      که گر سود بینیم یا خود زیان  
بدین کار باید کمر بست زود      از این کین میان را نباید گشود  
به توفیق جبارِ حیّ قدیم      ستانیم داد از سگان لئیم  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۳۸۲-۳۸۴).

هنگامی که طغان در میدان جنگ هنرنمایی نمود، عمر سعد برای رویاری او به میدان آمد. طغان گفت: حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را برادر خود نامیده بود و امام حسین علیه السلام پسر اوست. تو فرزندش، حسین علیه السلام و اولاد او را در کربلا کشتی.

سپس دادخواهی خود را بیان کرد:

به توفیق حق، ای سگ بدنژاد      بدین تیغ خواهم ستاند از توداد  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۹۱۶).

در این زمان، محمد حنفیه رسید و نام آن دو پهلوان را پرسید. ضریر خزاعی ابتدا طغان را معرفی کرد. سپس عمر سعد را معرفی نمود. محمد حنفیه از شنیدن نام عمر، برافروخته شد و آماده جنگیدن با عمر شد و قصد خود را از کین‌خواهی بر زبان آورد:

که رفتم من اینک به جنگ لعین      بنخواهم به کام دل امروز کین  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۹۸۱).

ابراهیم گفت: بگذارید من او را بگیرم و بکشم. عمر بن علی گفت:

عُمر گفت: ای سرور نامجو      تو بنشین که من داد خواهم ازو  
بخوام ازو کین اخوان خود      کنم شاد از کشتش جان خود

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۹۸۴-۹۸۵).

فضل جعفر هم خواستار جنگ با او شد. محمد گفت:

محمد بدیشان چنین گفت باز      که ای شهسواران گردن‌فراز  
به حقّ خدا و به حقّ رسول      به حقّ علی و به حقّ بتول  
که نشینم از پای تا زین لعین      نخواهم به کام دل امروز، کین

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۹۸۸-۹۹۰).

هنگامی که مسیب به دیدار محمد حنفیه آمد، همراه با ابراهیم، فضل و عمر، ماتی تازه برپا شد که فضای مجلس را به جوش و خروش درآورد. محمد، با اندوهی عمیق، ماجرای جنایات یزیدیان و بی‌حرمتی‌هایی را که نسبت به خاندان پیامبر ﷺ روا داشته بودند، برای مسیب بازگو کرد؛ روایتی دردناک که شعله‌ی خشم و غیرت را در دل حاضران برافروخت و آنان را بیش از پیش بر کین‌خواهی مصمم ساخت.

مسیب به او گفت:

مسیب بگفتا که ای شاهزاد      تو را هیچ بر دل غباری مباد  
بمانی تو یا رب بسی ماه و سال      به دست همه دشمنان پایمال  
چو میدان ز شیران تهی یافتند      سگان فرصت روبه‌هی یافتند  
من آنجا نبودم، کنون این زمان      به کین لعینان بیندم میان  
کنون خورده‌ام سخت سوگند من      میان را ننگشایم از بند من  
که تا خون آن شاه شهزادگان      بخوام ز جمع فرومایگان  
گر آن روز در کربلا بودمی      دمار از خوارج برآوردمی

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۰۹۲-۱۰۹۸).

طغان پس از کشته شدن عمر سعد و ابن زیاد به دستور محمد حنفیه کین خواهی از امام حسین علیه السلام را در مقابل یزید بر زبان می‌آورد:

بدان سان که کشتند آن دو لعین      تو را نیز خواهیم کشتن به کین

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۱۳۴)

محمد حنفیه وقتی در قابل سپاه یزید قرار گرفت، یزید را به مبارزه طلبید و خون خواهی برادران خود را بازگو کرد:

بیا ای ستمکاری بدگهر      که دارم من از تودلی پر ز قهر  
بیا یک زمانی در این رزمگاه      بگردیم با یکدگر کینه خواه  
دلیران بینند تا کیست مرد      کرا یار باشد خداوند فرد  
اگر تو در آیی به میدان دمی      بنخواهم ز تو خون اخوان همی  
همین دم به توفیق پروردگار      بدین جانربایت کنم پاره پار

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۱۵۸-۱۱۶۲).

محمد حنفیه طغان را به خاطر دادستاندن از دشمن دعا می‌کند:

که یار تو باشد خدای جهان      که دادم ستاندی تو از دشمنان

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۲۸۵).

وقتی محمد حنفیه قصر و شهر دمشق را به آتش کشید، یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله او را به بخشش دعوت کرد و گفت: ما در اختیار تو هستیم و از کشته شدن ما امام حسین علیه السلام زنده نمی‌شود و این تقدیر خدا بوده است و تو از جانب خودت خون خواهی می‌کنی! محمد حنفیه به اهالی دمشق می‌گوید:

کنون عزم دارم به سوی یزید      بسا سر که از تن بنخواهم برید  
[مگر گیرم آن شوم ناپاک را      لعین بدافعال بی‌پاک را]  
بنخواهم از او خونِ اخوان خود      کنم شاد از کشتنش جان خود

همه اهل اولاد را سربه سِر  
خلاصی دهم زان سگ بدسیر  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۴۴۴-۱۴۴۷).

این ابیات نمونه‌هایی از حضور پررنگ بن‌مایه‌ی کین‌خواهی در ضریرنامه هستند؛ بن‌مایه‌ای که نه تنها ساختار حماسی اثر را شکل داده، بلکه آن را به یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های «ادب مقاومت» در سنت شیعی تبدیل کرده است. این عنصر با پیوند دادن روایت به آرمان‌های عدالت‌خواهی، مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام، و روحیه‌ی انتقام‌جویی مقدس، به این منظومه عمق معنایی و تأثیرگذاری اجتماعی بخشیده است.

## ۲-۴. نام و ننگ

یافتن نام نیکو پس از مرگ، برای پهلوانان حماسی بسیار مهم است. پهلوانان بزرگ والاترین ویژگی‌ها و ارزش‌های انسانی را بازمی‌تابند و آشکار می‌دارند؛ ارزش‌هایی همچون داد، مردمی، راستی، باورمندی به دین، پایبندی به پیمان، جوانمردی، رادی، پرهیز از فریب و دروغ، پیراستگی از آز و خودپسندی، بیزارگی از ترس و زبونی. کوتاه سخن، همه آنچه ارزش‌های انسانی و پهلوانی را می‌سازد (ر.ک. کزازی، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

باری، فرایند به دست آوردن نام را در سه اصل باید جست:

۱. نام نیک جستن؛ ۲. نام در ارتباط با نژاد؛ ۳. نام در در تقابل با ننگ.

اهمیت نام و ارزش نامداری زمانی بیشتر آشکار می‌شود که آن را در تقابل با ننگ در نظر بگیریم؛ آن زمان که هرچه جنگاور و پهلوان، نام به دست آورده بر اثر عواملی در جایگاه چند و چون قرار می‌گیرد و این حالت موجب شکستگی نام پهلوان می‌گردد.

ضریر در رجزخوانی خود با یعقوب عسقلانی می‌گوید: اگر یزید مرا به خاطر امام حسین علیه‌السلام هلاک کند، چون نام نیکو برایم باقی می‌ماند، باکی نیست:

ز بهر حسین آن امام مبین  
چه خون‌ها که ریزم به روی زمین  
وگر بهر آن شه کُنندم هلاک  
چو نام نکو باشدم، پس چه باک؟!

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۲۶۶-۲۶۷).

### ۴-۳. پهلوان بانو

در روایت‌های حماسی، چه ایرانی و چه غیرایرانی، زنان جنگاور و دلیر بسیاری حضور دارند که با شجاعت و مهارت، در میدان نبرد با مردان می‌جنگند. این شخصیت‌ها را می‌توان «پهلوان بانو» یا «Heroine» نامید. در ادب حماسی ایران، نمونه‌های برجسته‌ای از این زنان دیده می‌شود؛ از جمله گردآفرید و گردیه در شاهنامه، بانوگشسب در بانوگشسب‌نامه، فرانک و دلارام در شهریارنامه، همای در بهمن‌نامه، و روشنک یا بوران‌دخت در داراب‌نامه‌ی طرسوسی (ر.ک. آیدنلو، ۱۳۸۷، ص ۱۱-۲۴؛ ۱۳۸۸، ص ۳۸۰-۳۸۱).

در منظومه‌ی ضریرنامه نیز فاطمه خزاعی، خواهر ضریر خزاعی، نمونه‌ای برجسته از پهلوان بانوان است. او همچون مردان، لباس رزم می‌پوشد و داوطلبانه برای کین خواهی از قاتلان سیدالشهداء<sup>ع</sup> آماده‌ی نبرد می‌شود:

پوشید هم خواهرش ساز رزم      همی بود بر عزم آن رزم، جزم  
(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۲۱۳).

شاهزاده‌ها گفتند: ضریر! قلعه را به خواهرت واگذار و با ما به جنگ بیا تا پیش محمد حنفیه برویم. ضریر قلعه و شهر عسقلان را به خواهرش واگذار کرد و به او سفارش نمود که عدالت و سیاست را از دست ندهد. او پانزده هزار مرد را در قلعه گذارد و دوازده هزار مرد با خود برد و به خواهرش سفارش کرد که به‌عنوان حاکم شهر ایفای نقش کند و مراقب باشد که عدالت و سیاست را از دست ندهد (طرسوسی، ۱۳۹۸، ص ۴۷۱).

در غیاب ضریر، فاطمه جانشین او شد. فاطمه به ضریر گفت: من می‌خواهم در این جنگ همراه تو باشم. ضریر او را از کار منع کرد و به او گفت: بر بالای دروازه‌ی قلعه بنشین و فرماندهی را برعهده بگیر. او پذیرفت و سلاح کامل دربر گرفت و نقاب انداخت و بر بالای دروازه نشست و در برابر حمله‌ی عبیدالله بن زیاد به شهر عسقلان، فرماندهی قلعه را برعهده گرفت. در مسیّب‌نامه آمده است که فاطمه چندین بار در میدان جنگ حضور یافت و پهلوانان دشمن را از پای درآورد (طرسوسی، ۱۳۹۸، ص ۷۴۰).

در نبرد با شمسون، فاطمه با شجاعت تمام به میدان آمد، او را چهار پاره کرد و لشکر دشمن را در هم شکست. مردم عسقلان با دیدن این دلاوری، تکبیر گفتند و روحیه‌ی نبرد در سپاه تقویت شد (طرسوسی، ۱۳۹۸، ص ۴۷۵).

در یکی از صحنه‌های برجسته، فاطمه تیری به دهان دشمن زد که از پس سرش درآمد، و گفته می‌شود که تنها او ۱۶۰ تن از خوارج را به خاک افکند (طرسوسی، ۱۳۹۸، ص ۹۳۹).

فاطمه خزاعی با حضور فعال در میدان نبرد، فرماندهی نظامی، و روحیه‌ی ایثار و مقاومت، نمونه‌ای کامل از «پهلوان بانو» در ادب حماسی شیعی است؛ زنی که نه تنها در کنار مردان، بلکه گاه فراتر از آنان، نقش‌آفرینی می‌کند و در مسیر خون‌خواهی اهل بیت علیهم‌السلام، به نماد شجاعت و وفاداری تبدیل می‌شود.

#### ۴-۴. اسب منحصر به فرد

در منظومه‌ی ضریح‌نامه، اسب محمد حنفیه با نام «عقاب» معرفی شده؛ اسبی که نه تنها وسیله‌ی نبرد، بلکه نمادی از شکوه، قدرت و میراث پهلوانی است. شاعر با تأکید بر اینکه «عقاب» میراثی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، آن را به‌عنوان نماد تداوم ولایت و شجاعت علوی در برابر ظلم یزیدی به تصویر می‌کشد:

نشسته بر اسبی چو باد دمان	پس آن گاه مانند شیر ژیان
عقابش شه اولیا خوانده بود	که میراث از مرتضی مانده بود

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۹۹۴-۹۹۳).

ز نعل عقابش زمین پر جزع	ز آواز اسبش هوا پر فزع
-------------------------	------------------------

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۱۰۰۵).

که بودش به خون لعینان شتاب	محمد همی تاخت هر سو عقاب
----------------------------	--------------------------

(قمی شاهرودی، ۱۳۴۷ق، ص ۱۲۸۶).

#### ۴-۵. دو نیم کردن حریف در نبرد

یکی از جلوه‌های برجسته‌ی قدرت پهلوانی در ادبیات حماسی، «دو نیم کردن» دشمن در میدان نبرد است؛ تصویری که یادآور ضربات قاطع و افسانه‌وار امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌های صدر اسلام است. این شیوه‌ی کشتن، نمادی از نیروی خارق‌العاده‌ی قهرمان، هیبت معنوی او، و عاملی برای ایجاد ترس و فروپاشی در صفوف دشمنان است.

در ضریحنامه، این تصویر بارها تکرار می‌شود و به‌عنوان بن‌مایه‌ای حماسی، قدرت پهلوانان شیعی را در برابر ستمگران یزیدی به نمایش می‌گذارد:

عمر بن علی یکی از مردان سپاه ابن‌زیاد را که به دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام اعتراف نموده بود، با یک ضربه‌ی شمشیر به دو نیم کرد:

به یک ضرب شمشیر کردش دو نیم روانش فرستاد سوی جحیم  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۶۳۴).

پس از گریختن ابن‌زیاد از چنگ عمر بن علی، علم و علمدارش را به دو نیم کرد.  
بزد بر علمدار آن شیرمرد علم با علمدار را نیمه کرد  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۶۶۰).

طغان پس از کشتن شاه حلب، در حمله به سپاه یزید، یکی از دشمنان را با ضربه‌ای از سر تا پشت زین دو نیم کرد:

کسی را که بر سر زدی تیغ کین به دو نیم کردیش تا پشت زین  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۸۸۲).

محمد حنفیه در صحنه‌ای دیگر، در برابر هجوم ده‌هزار نفری سپاه یزید، همچون رستم و علی علیه السلام، با تیغ آتش‌فشان خود، دشمنان را به دو نیمه می‌کرد:

به گِرد محمد شه نامدار  
[چو رستم به رخس اندر آورد پای  
چو رستم همی تاخت شهزاده رخس  
علی وار از تیغ آن نامدار  
کسی را که ضربی زدی بر میان  
گرفته از آن ناکسان ده هزار  
چو حیدر برانگیخت مرکب زجای]  
گرفته به کف تیغ آتش درخش  
دو نیمه همی کرد همچون خیار  
به دو نیمه کردیش آن پهلوان  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۲۴۰-۱۲۴۴).

#### ۶-۴. رزم افزار موروثی و نیاکانی

یکی از سنت‌های دیرینه در ادب حماسی، بهره‌گیری از رزم‌افزارهایی است که از نیاکان یا پهلوانان پیشین به یادگار مانده‌اند. این جنگ‌افزارها افزون بر کارکرد نظامی، نماد هویت، شکوه و استمرار میراث پهلوانی‌اند. به‌کارگیری چنین ابزارهایی، به قهرمانان حماسی تشخیص و ابهت می‌بخشد و پیوند آنان را با گذشته‌ی پرافتخارشان مستحکم می‌سازد.

شمیسا در تحلیل ساختار حماسه می‌نویسد:

زیربنای هر حماسه‌ای، رویارویی دو جبهه و دو نیروی خیر و شر است که در نهایت، به دلیل سرشت متضاد دو جبهه، فرجام کار به جنگ می‌انجامد. پس یکی از مختصات بنیادین هر حماسه، کاربرد فراوان جنگ‌افزارها و به عبارتی، اشیای حماسی است (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

در ضریرنامه، این بن‌مایه با شکوه خاصی تجلی یافته است. محمد حنفیه شمشیر ذوالفقار امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> را به همراه دارد؛ نمادی از قدرت علوی و میراث نبردهای صدر اسلام. افزون بر آن، سه شمشیر دیگر با نام‌های «صمصام»، «قمقام» و «جانربا» در اختیار اوست که در نبردها، به‌ویژه از «جانربا» استفاده می‌کند:

بجز ذوالفقارش سه شمشیر بود  
چه صمصام و قمقام پس جانربا  
از آن تیغ‌ها جانربا داشت او  
که پیوسته همراه آن شیر بود  
چه سرها کزو برفکندی به پا  
کشید و یکی نعره برداشت او

(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۹۹۶-۹۹۸).

محمد حنفیه عمود حمزه سیدالشهداء<sup>علیه السلام</sup> را نیز به همراه داشت:

ز لشکر برون شد شه نازنین      به دست دگر نیزه‌ی آهنین  
عمودی که از حمزه بد یادگار      به زین کوه در کرد آن نامدار  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۹۹۹-۱۰۰۰).

به گریزی که از حمزه بُد یادگار      همی کرد آن میرِ دین، کارزار  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۳۹۳).

#### ۴-۷. سلاح شگفت‌انگیز پهلوان با قدرت ماورایی

در سنت حماسه‌سرایی، هر پهلوان برجسته معمولاً دارای سلاحی منحصر به فرد و نمادین است؛ سلاحی که نه تنها ابزار نبرد، بلکه تجلی قدرت، هویت و تقدس اوست. این سلاح‌ها اغلب با ویژگی‌های خارق‌العاده توصیف می‌شوند و به پهلوان نیرویی ماورایی می‌بخشند که او را شکست‌ناپذیر می‌سازد.

در ضریح‌نامه، محمد حنفیه وارث گریزی است که از حمزه سیدالشهداء<sup>علیه السلام</sup> برایش به یادگار مانده؛ گریزی که در نبردها، به‌ویژه در گشودن دروازه‌ی دمشق، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. شاعر با توصیف قدرت این سلاح، آن را به نمادی از اراده‌ی الهی و عدالت‌خواهی تبدیل می‌سازد:

به گریزی که از حمزه بُد یادگار      همی کرد آن میرِ دین، کارزار  
دلیران [و] یاران بدو هم‌معنان      به دروازه رفتند نعره‌زنان  
بر ایشان هم از بُرج و باروی شهر      فکندند هر چیز از روی قهر  
نکردند اندیشه از تیر و سنگ      رسیدند ناگه به دروازه تنگ  
محمد در آمد به زور دو دست      بزد گرز، دروازه در هم شکست  
(قمی شاهرودی، ۱۲۴۷ق، ص ۱۳۹۳-۱۳۹۴).

## نتیجه گیری

منظومه‌ی ضرینامه، نمونه‌ای برجسته از حماسه‌ی دینی شیعی است که با وجود اهمیت و ظرفیت‌های ادبی و اعتقادی‌اش، تاکنون در پس پرده‌ی گمنامی باقی مانده است. بررسی و تحلیل این اثر، نه تنها در شناخت بهتر حماسه‌های مذهبی مؤثر است، بلکه در بازخوانی سنت‌های مقاومت و پایداری در برابر ظلم نیز نقش بسزایی دارد.

ترجمه‌های متعدد این منظومه به زبان‌های ترکی و کردی، در کنار وجود نسخه‌های مختلف، نشان از نفوذ فرهنگی و تأثیرگذاری آن در جوامع مختلف دارد. ضرینامه الگویی کهن برای ادب مقاومت محسوب می‌شود؛ ادبیاتی که با محوریت انتقام از ستمگران یزیدی، به بازنمایی غیرت دینی و شیعی در دوران پیشاصفوی می‌پردازد و به‌ویژه بر نقش زنان در این مقاومت تأکید دارد.

این منظومه با بهره‌گیری از بن‌مایه‌های حماسی، همچون خون‌خواهی از قاتلان امام حسین (ع)، کسب نام، رزم‌افزارهای نیاکانی (مانند شمشیر ذوالفقار امیرالمؤمنین ع و عمود حمزه ع)، رجزخوانی و توصیف دقیق نبردها، ساختاری منسجم و زبانی فاخر دارد. ضرینامه از زبان و شاکله‌ی یک حماسه‌ی برجسته‌ی دینی برخوردار است و از نظر توصیفات زیبا، بیان گفت‌وگوهای قهرمانان، توصیف دقیق نبردها و قهرمانان درخور توجه است.

طغان‌شاه با تسلط بر زبان و روایت حماسی، توانسته است منظومه‌ای بیافریند که در کنار آثار بزرگی همچون شاهنامه، جایگاه قابل توجهی دارد و نشان می‌دهد که او مقلدی موفق از سنت فردوسی بوده است.

حماسه‌های شیعی با آغاز از علی‌نامه و تداوم در آثاری همچون ضرینامه، خاوران‌نامه و مختارنامه‌ها، در بستر آزادی مذهبی عصر تیموری شکوفا شدند. این فضای باز امکان بیان عقاید شیعی را فراهم آورد و زمینه‌ساز رشد این نوع ادبیات در دوره‌های صفوی و قاجار شد.

ضریرنامه با روایت انتقام از یزید و کارگزارانش، روحیه مبارزه با ستم را در میان مردم زنده نگه‌داشت و در بیداری ذهن جامعه نسبت به مظلومیت اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، به‌ویژه امام حسین<sup>علیه‌السلام</sup> نقش مؤثری ایفا کرد. این اثر، نه تنها یک منظومه‌ی ادبی، بلکه سندی فرهنگی از آرمان‌های شیعیان در مسیر عدالت‌خواهی و مقاومت است؛ تأثیری که بی‌تردید چشمگیر و فراموش‌ناشدنی است.

## منابع

۱. آیدنلو، سجاد (۱۳۸۷). پهلوان بانو. مطالعات ایرانی، ۱۳، ۱۱-۲۴.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). متون منظوم پهلوانی. تهران: سمت.
۳. ابویی مهریزی، محمدرضا (۱۳۹۴). کچکول میرجمال‌الدین محمد حسینی جامی و بازتاب اندیشه‌ی تسنن دوازده امامی آن. تاریخ ایران، دوره‌ی ۸، ۱(۱۷)، ۱-۲۴.
۴. امامی، علیرضا و داودآبادی، هادی (۱۴۰۱). ضریرنامه‌ی طغان‌شاه قمی، مظهر ایثار و شهادت؛ منظومه‌ای شیعی از قرن نهم هجری. مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. شیراز.
۵. بیگزاده، خلیل و عرفانی، سمیه (۱۳۹۳). معرفی ضریرنامه‌ی ملانورعلی ورمزیاری. ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره‌ی ۴، ۱، ۲۹-۵۸.
۶. جدیدی، ناصر و پوران‌دخت رمضان‌جماعت (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش تسنن دوازده امامی و تأثیر متقابل آن با تشیع در قرن نهم هجری. شیعه‌شناسی، دوره‌ی ۱۸، ۷۰، ۱۴۷-۱۶۸.
۷. جوادی، قاسم و سیدمرتضی عادل (۱۳۹۶). علاءالدوله سمنانی به مثابه‌ی سنی دوازده امامی، سخن تاریخ. سال یازدهم، ۲۵، ۱۰۳-۱۲۰.
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). انواع ادبی. چ سوم. تهران: میترا.
۹. شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۲). ظفرنامه‌ی شامی. به کوشش پناهی سمنانی. تهران: سازمان نشر کتاب.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. چ ششم. تهران: فردوسی.
۱۱. طرسوسی، ابوظاهر (۱۳۹۸). حماسه‌ی مسیب‌نامه. به‌اهتمام میلاد جعفرپور. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
۱۲. فرج‌اللهی، رحیم و شریفی ولدانی، غلامحسین (۱۳۹۹). پژوهشی در قدمت و اصالت جنگ‌های محمد حنفیه. شعرپژوهی، ۳(۴۵)، ۱۵۹-۱۸۶.
۱۳. قمی شاهرودی، طغان‌شاه بن نظام (۱۱۱۰ق). تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه‌ی خطی.

۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۲۴۸ق). انتقامیه. تهران: کتابخانه‌ی ملی ایران. نسخه‌ی خطی.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۲۴۷ق). انتقامیه. تهران: کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران. نسخه‌ی خطی.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۰۳۳ق). منتخبات ضریب خزاعی. تهران: دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران. نسخه‌ی خطی.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۲۵۷ق). انتقامیه. مشهد: کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی. نسخه‌ی خطی.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۲۹۵ق). مثنویه انتقامیه. تهران: کارخانه قلیخان قاجار. چ سنگی.
۱۹. قنبری، صباح (۱۳۹۰). گزیده‌ی رساله‌ی انتقامیه. پیام بهارستان، دوره‌ی دوم، سال چهارم، ۱۴، ۱۰۴۱-۱۰۷۱.
۲۰. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۷). رؤیا، حماسه، اسطوره. تهران: نشر مرکز.
۲۱. موحدی محمدرضا و مرضیه راغبیان (۱۳۹۰). عامی شروی نویسنده‌ای گمنام از قرن نهم. مجله‌ی تاریخ ادبیات، ۳(۶۷)، ۱۹۱-۲۱۲.
۲۲. موحدی، محمدرضا (۱۴۰۰). روضة الشهداء کاشفی و قضاوت‌های برخی معاصران. آینه‌ی پژوهش. دوره‌ی ۳۲، ۵(۱۹۱)، ۱۹۵-۲۱۵.
۲۳. واردی، زرین‌تاج (۱۳۸۴). مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم. مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره‌ی بیست و دوم، ۱(۴۲)، ۹۱-۱۱۰.
۲۴. یوسفی، محمدرضا و رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۶). تصوف تشیع‌گرای قرن نهم. مطالعات عرفانی، دوره ۳، ۲(۶)، ۱۸۳-۲۰۱.